

پژوهشی با نگرش اسطوره‌گرایانه و کهن‌الگویی به طراحی نشانه‌های فرهنگی (با تکیه بر نشانه‌های دانش‌بنیاد)

سارا شادرخ* نجیبه رحمانی**

چکیده

نشانه‌های فرهنگی، فرم‌های گرافیکی انتزاعی هستند؛ انباشتی از فرهنگ غنی ملت‌ها، نمایی از داشته‌های صوری و مفهومی کشورها در قالبی کوچک و بازتابی از اندوخته‌های کهن‌الگویی یک ملت. کهن‌الگوها، الگوی اصلی و پایدار ذهنی و محصول تجربه جمعی بشر در طی هزاران سال هستند. آنها، خود را در نموده‌های انسانی از جمله نشانه‌های تصویری، نشان می‌دهند. در این مقاله به کمک نگرش اسطوره‌ای و کهن‌الگویی، نشانه‌های فرهنگی مرتبط با حوزه دانش؛ اعم از دانشگاه‌ها، انتشارات و مؤسسه‌های پژوهشی (حداقل ده نمونه مطرح بین‌المللی و ملی)، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

هدف از این امر، درک بینش کهن‌الگویی است که تمدن‌های مختلف به مفهوم دانش داشته‌اند و تبلور دوباره آن در شکل‌های ساده‌شده نشانه‌های کنونی دیده می‌شود. برای دستیابی به ارتباطی منطقی و استدلالی متقن، بیش از صد نشانه دانش‌بنیاد بین‌المللی و ملی مشاهده شدند؛ اکثریت نشانه‌ها، زبان مستقیم را برگزیده و به نمادهای تصویری سراسرست چون کتاب و سردر دانشگاه اکتفا کرده‌اند، اکثر طراحان، از نمادهای ملی در طراحی نشانه دانشگاه بهره برده و برداشتی مستقیم از مفهوم دانش داشته‌اند، برخی که مورد پژوهش این مقاله بوده، از نموده‌های ضمنی و نهفته در کهن‌الگوها بهره برده‌اند. اکثر نشانه‌هایی که مفاهیم ثانویه را القا نموده، در فرهنگ‌های مختلف به صورت یکسان استفاده شده‌اند؛ کهن‌الگوهایی که در فرهنگ‌های مختلف مشترک بوده و خواستگاه‌های اساطیری داشته و فرم‌های درخت، خورشید، آتش (شمع، مشعل) و آب، که نمادهای معرفت در کهن‌الگوی جهانی هستند. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی، به واکاوی معنای دانش و معرفت در کهن‌الگوهای جهانی پرداخته و بازتاب آنها را در نشانه‌های مطرح مؤسسه‌های دانش‌بنیاد، معرفی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: کهن‌الگو، نشانه، دانش، درخت، خورشید

*مربی، گروه گرافیک، عضو هیئت علمی دانشکده هنر، دانشگاه سمنان (نویسنده اول).

shadrokh@profs.semnan.ac.ir

** (نویسنده مسئول) دانشجوی دکترای پژوهش هنر، مدرس مدعو دانشگاه سمنان. دانشجوی دکترای پژوهش هنر دانشگاه تهران؛ مدرس هنر دانشکده فنی نرجس سمنان.

n.rahmani.designer@gmail.com

مقدمه

انسان امروزی به واسطه علم‌گرایی و پیشرفت تکنولوژی، خود را جدا از خواستگاه‌های اسطوره‌ای خود تصور می‌کند؛ در حالی که در نهان، به این نگرش‌ها وابسته است. این وابستگی، خود را در حوزه‌های بیانی چون هنر و ادبیات، نمایش می‌دهد. هنر، بازتاب نهان‌ترین گرایش‌ها و تمایلات انسانی است؛ گرایش‌هایی که یونگ از آنها با عنوان کهن‌الگو یاد می‌کند.

نشان‌های فرهنگی به واسطه ارتباط با فرهنگ و نمودهای تاریخی، می‌توانند تجلیگاه کهن‌الگوها باشند. از آنجا که حوزه مغفول طراحی نشانه می‌تواند نگرش‌ها و رهیافت‌های مفیدی را به همراه داشته باشد، این مقاله بدان اختصاص یافته است. تکیه اصلی، بر نشانه‌های دانش‌بنیاد است؛ این نشانه‌ها که در نشانه‌های دانشگاهی، مؤسسه‌های پژوهشی، انتشارات و غیره تعریف شده، نمایان می‌سازند که طراحان از دیرباز تا کنون، چگونه بر برداشت‌های کهن‌الگویی تکیه زده‌اند.

برای دستیابی به ارتباطی منطقی و استدلالی متقن، بیش از صد نشانه دانش‌بنیاد بین‌المللی و ملی مشاهده شدند؛ اکثریت نشانه‌ها زبان مستقیم را برگزیده و به نمادهای تصویری سراسر چون کتاب و سرور دانشگاه اکتفا کرده‌اند، اکثر طراحان، از نمادهای ملی در طراحی نشانه دانشگاه بهره برده و برخی که مورد پژوهش این مقاله بوده، از نمودهای ضمنی و نهفته در کهن‌الگوها بهره برده‌اند؛ کهن‌الگوهایی که در فرهنگ‌های مختلف، مشترک بوده و خواستگاه‌های اساطیری دارند. طراحان مختلف در سراسر جهان، نمودهای کهن‌الگویی را در نشانه‌های خود به کار می‌بستند؛ برخی از این نشانه‌ها، مربوط به مؤسسه‌هایی با قدمت یک یا دو قرن بوده و این نمودهای مشترک شامل؛ درخت، خورشید، آتش (مشعل و شمع) و آب هستند؛ مواردی که در باور اسطوره‌ای، مبانی معرفت‌جهانی را شکل داده و هر یک، نمودی از دانش هستند.

هدف از این مقاله، نمایش کهن‌الگوهای نهفته در نشان‌های دانش‌بنیاد است. پرسش اصلی مقاله از این قرار است که چگونه کهن‌الگوها در نشانه‌های دانش‌بنیاد بازتولید شده‌اند؟ بر اساس اندیشه کهن‌الگویی یونگ، چه نسبتی میان کهن‌الگوها با طراحی نشان‌های دانش‌بنیاد وجود دارد؟

فرضیه مقاله حاضر از این قرار است که کهن‌الگوها در ضمیر ناخودآگاه انسان رسوب کرده و طراحان با نگرشی نو، این بن‌مایه‌ها را بازآفرینی می‌کنند؛ امری که صورت بین‌المللی در مفاهیم مشترکی چون دانش را تفسیر می‌کند.

پیشینه پژوهش

پژوهش در باب اسطوره‌شناسی به شکل جدی، از آثار اسطوره‌پژوهانی چون؛ جیمز فریزر^۱، جوزف کمبل^۲ و میرچا الیاده^۳ آغاز شد؛ فریزر در کتاب "شاخه زرین" (۱۳۹۵)، در باب جادو و دین و بر مبنای اسطوره‌شناسی، مطالعاتی صورت داد که بر الیاده، جیمز جویس^۴ و غیره تأثیر گذارد. الیاده در کتاب "دائرةالمعارف دین" (۱۹۷۶)، "اسطوره‌شناسی را بیشتر در خدمت دین‌پژوهی قرار داد و در جستجوی امر مقدس در لابه‌لای مفاهیم اسطوره‌مدار و دینی می‌گشت. یونگ به عنوان مطرح‌کننده نظریه ناخودآگاه جمعی، سهمی عظیم در شناسایی فرهنگ و اساطیر ملت‌ها دارد. در کتاب "انسان و سمبل‌هایش" (۱۳۹۶)، مفهوم کهن‌الگور را بیان کرده و خواستگاه و ویژگی‌های آن را عنوان می‌دارد. جین سی کوپر^۵ در کتاب "فرهنگ مصور نمادهای سنتی" (۱۳۸۰)، نقوش مطرح در فرهنگ و هنر ملل مختلف را جمع‌آوری نمود و تحلیل مفصل و جامع بر آنها انجام داد. از جمله کتب مرجع با موضوعات اساطیری، تألیفات نویسندگان مطرحی چون؛ مهرداد بهار و جلال ستاری است.

در حوزه گردآوری نشانه و نشانه‌های فرهنگی، کتاب‌های مجموعه آثار طراحی نشانه موجود هستند و در حکم معرفی نشانه‌های فرهنگی و تجاری بوده و بدین منظور تروق شده‌اند؛ کتاب "نشانه" (۱۳۸۸) گردآوری بیژن صیفوری و ساعد مشکی، همچنین کتاب "ارتباط تصویری از چشم‌انداز نشانه‌شناسی" (۱۳۹۰) تألیف فهیمه پهلوان و کتاب "لذت طراحی نشانه" (۱۳۹۶) از دیوید ایری، جزو کتاب‌هایی بوده که با نگرشی تحلیلی، به این حوزه کمتر دیده‌شده پرداخته‌اند.

روش پژوهش

در این پژوهش، به شیوه اسنادی، به جمع‌آوری اطلاعات دست زده شده است و مطالب مربوط به کهن‌الگوها و اسطوره‌شناسی، از منابع علمی، کتب و مقالات گردآوری شده‌اند. برای رسیدن به جامعه آماری قابل قبول در حوزه مصادیق، بیش از صد نشانه بررسی و مطالعه شده؛ نتیجه این بررسی، دستیابی به مجموعه‌ای قابل قبول از نشان‌های دانش‌بنیادی؛ اعم از دانشگاه‌ها، مؤسسه‌ها و انتشارات در سراسر جهان است که به لحاظ محتوایی، برای این تحقیق مطلوب هستند.

اسطوره و کهن‌الگو

بینش اساطیری، مرحله پیش منطق ذهن است. اسطوره‌های پیش از تاریخ هر قوم و ملت، از جنبه‌های مختلف هستی‌شناسی،

آدمی با سرمایه‌ای از کهن‌الگوها به دنیا می‌آید. کهن‌الگوها، الگوی اصلی و پایداری و حاصل تجربه جمعی بشر در طی هزاران سال بوده که در حافظه پنهان ناخودآگاه انسان‌ها، با نام ناخودآگاه جمعی، ذخیره می‌شوند. کهن‌الگوها جهانی بوده و در همه مکان‌ها، مفهوم و جوهره مشابهی دارند (گلابچی و زینالی فرید، ۱۳۹۳: ۷).

کهن‌الگوها، دارای ویژگی‌هایی به قرار زیر هستند:

- کلیت و عمومیت: همه افراد بشر، دارای ناخودآگاه جمعی هستند.
- بالقوه بودن: مفهوم، در درون انسان‌ها و عناصر وجود دارد و بسته به تجارب افراد، تجلی می‌یابد.
- اکتسابی و تجربی: کهن‌الگوها، تجارب و معلومات نیاکان ما بوده، بنابراین آنها جنبه اکتسابی و تجربی دارند.
- تغییر و تحول‌پذیری: مفاهیم کهن‌الگویی، مفاهیمی منفعل و ایستا نیستند، بلکه فعال بوده و هر روز به گنجینه مفاهیم آنها افزوده می‌شود.
- نسبی بودن: از نظر یونگ، کهن‌الگوها مفاهیمی نسبی هستند (باقری‌پور، ۱۳۸۹: ۱۶۱).

کهن‌الگوها در اشکال نمادین در رؤیا، اساطیر، دین، ادبیات و هنر، موضوع مطالعه هستند. خودآگاه انسان، به اعمال، رفتارها و عواطف و هیجاناتی اشاره دارد که نه تنها واضح و عیان، بلکه در دسترس هستند. در مقابل، ناخودآگاه، شامل حوزه‌ها و اعمالی است که از دسترس انسان‌ها خارج بوده و بخش عمده‌ای از روان انسان را تشکیل می‌دهند. ناخودآگاه فردی، مربوط به زندگی شخصی فرد و تجارب و احساسات فردی است. در مقابل، همه انسان‌ها جدا از تفاوت‌های نژادی، قومی و زبانی، دارای ضمیر ناخودآگاه هستند که در چارچوب این تفاوت‌ها نمی‌گنجد. انسان، یک بنیاد مشترک ناخودآگاه جمعی دارد که به رفتارها و افکارش جهت می‌دهد؛ آنها در لوای کهن‌الگوها نمود می‌یابند.

از سوی دیگر، کهن‌الگوها احساسی از معانی دینی با خود دارند؛ احساس امر قدسی که در تمام ادیان جهان یافت می‌شود و به یک معنا حقیقی هستند (آرگایل، ۱۳۸۴: ۲۳۵). آنها به‌نوعی عوامل پنهان در اعماق روح خودآگاه هستند. سیستم‌هایی در دسترس و در عین حال تصاویر و هیجاناتی که هم‌زمان موروثی بوده و ساختار عقلی دارند (یونگ، ۱۳۸۹: ۴۱).

در نظر یونگ، نمادها (سمبل‌ها) نشانه وحدت و یگانگی هستند. سمبل‌ها و کهن‌الگوها ریشه در ضمیر ناخودآگاه انسان دارند و انتخاب دائم این کهن‌الگوها، نشان از تلاش انسان‌ها برای پیدا کردن جنبه‌های روحانی است. این درست

روان‌شناسی و دیدگاه مردمان آن زمان در خصوص آفرینش و نیروهای ماوراءالطبیعه، قابل‌بررسی و گفتگو هستند (واحد دوست، ۱۳۸۴: ۱۷۹). در فرهنگ وبستر، اسطوره را چنین تعریف نمودند؛ «اسطوره، روایت سنتی از وقایع تاریخی مشهور است که دیدگاه جهانی یک ملت را نشان می‌دهد و یا به توضیح و تفسیر عمل، عقیده یا یک پدیده می‌پردازد» (Doniger et al., 1999: 450). به عبارت دیگر، می‌توان اسطوره و اسطوره‌شناسی را یک سیستم ارتباطی و یا به‌نوعی طرز بیان دانست (Ibid). جوزف کمبل در بیان مفهوم اسطوره می‌گوید؛ «اسطوره، کلید رسیدن به نیروی بالقوه روحی انسان است، یعنی جست‌وجویی برای معنا و تجربه کردن آن» (میثمی، ۱۳۸۱: ۱۲۲). به نظر می‌رسد در تعاریف عنوان‌شده، اسطوره با روایت حوزه زمان پیشاتاریخی و دیدگاه‌های مردمان آن دوره در مورد نیروهای ماوراءالطبیعه، در ارتباط بوده؛ شاید بر این اساس، اسطوره معادل کلی‌تری برای کهن‌الگو است. برای درک درست این مطلب، کهن‌الگو و پیوند آن با اسطوره معرفی می‌شود.

کهن‌الگو

یونگ بر این باور بود که مغز و ضمیر انسان هنگام تولد، همچون لوحی سفید و نانوخته نیست، بلکه همان‌طور که بدن ما از خصایص و ویژگی‌های نیاکان ما حکایت دارد، مغز ما نیز حاوی عاملی مشترک و موروثی از اجداد باستانی است؛ عاملی به نام ناخودآگاه جمعی که در زیر سطح خودآگاه قرار دارد (شایگان‌فر، ۱۳۸۰: ۱۳۷).

درون‌مایه‌ها، خیال‌ها، الگوها و شخصیت‌هایی که در ادبیات ملل مختلف و اساطیر و حتی رؤیاها تکرار شده، نمونه ازلی نام دارند. بر حسب نظریه‌های یونگ، نمونه‌های ازلی، در ضمیر ناخودآگاه جمعی بشر وجود داشته و همه آنها حاصل تجارب گذشته نوع بشر هستند. این کهن‌الگوها از آنجا که ریشه‌هایی شاید چندین هزار ساله داشته، در میان اقوام و کشورهای مختلف، مشترک و یکسان هستند (همان: ۱۳۸). از آنجا که مطالعه کهن‌الگوها در امتداد مطالعه اسطوره‌ها بوده، به اسطوره‌ها نگاه شده است؛ اسطوره‌ها ابزاری بوده که صور مثالی به‌ویژه گونه‌های ناخودآگاه را در ضمیر خود متجلی می‌کنند.

واژه کهن‌الگو در زبان فارسی، به‌صورت کهن‌نمونه، نمونه ازلی، سرنمون، صور ازلی، صور نوعی^۶ و غیره به‌کار رفته است. اما در مکتب یونگ، این واژه، همان تجارب و معلوماتی بوده که از نیاکان به ما رسیده و ناھشیار جمعی ما از آنها تشکیل یافته و در همه انسان‌ها مشترک هستند. یونگ معتقد است

است که شکل‌های کهن‌الگویی تا حد زیادی قابل تبدیل به یکدیگر هستند، ولی جنبه روحانی آنها حقیقی بوده و حقیقی هم باقی خواهد ماند و نماینده ارزش یک واقعه کهن‌الگویی است (یونگ، ۱۳۸۹: ۱۵۱). نمادپردازی، به توسعه خودآگاهی کمک انکارناپذیری کرده و اگر انسان از این کهن‌الگوها تبعیت می‌کند، به‌خاطر ریشه‌های نمادین و تعلق داشتن آنها به میراث کهن است.

کهن‌الگوهای مرتبط با دانش

دانش، اسم مصدر "دانستن"، کسب فضل و علم است و همچنین، ادراک، شعور و معرفت معنا می‌دهد (دهخدا، ۱۳۴۱: ۱۶۷). از این منظر، دانش، تنها علم را در بر نمی‌گیرد و معنای وسیع‌تری دارد؛ در میان تمدن‌های باستان، خدایان و اساطیر، نماینده دانش محسوب می‌شدند، برخی از آنان دانش را به انسان اعطا نموده همچون پرومته، همچنین عناصر و یا مخلوقاتی با توجه به ظرفیت وجودی خود نیز می‌توانستند نمایانگر دانش باشند؛ به‌عنوان مثال، چهار عنصر آب، آتش، خاک و باد، اساس و بنیاد هستی به شمار می‌آیند. آنچه در جهان هستی وجود دارد، همه در پیوند با این عناصر هستند؛ به‌عبارتی، هستی بر بنیاد آنها مفهوم پیدا می‌کند. عناصر و مخلوقات، در طراحی نشانه‌های دانش‌بنیاد نمود یافته؛ عناصری که در همه فرهنگ‌ها به شکل مشترک، معرف مفهوم معرفت و دانش بودند. در این مقاله، مهم‌ترین این عناصر را برشمرده و بازتاب آنها در معادل‌های ساده‌شده امروزی، در قالب آرم، معرفی می‌شوند.

کهن‌الگوی آتش در ارتباط با دانش

از دوره‌های نخستین زندگی بشر و در همه تمدن‌ها، آتش، آیینی بوده و باورمندی به آن، به گونه‌های همسان یا دیگرسان، نمودی گسترده داشته است. ریشه همه این باورها، به تبار مشترک انسان‌ها برمی‌گردد. در چین، شمن‌ها را به نام "چیره‌دست آتش" می‌نامند؛ آنان در جلسات عبادی خود، روی آتش راه رفته و به‌لحاظ نمادپردازی، دارای فنونی هستند که به "چیرگی بر آتش" معروف است. گذشتن از آتش بدون سوختن، فراتر رفتن از شرایط انسانی است.

در اساطیر یونان، نماد آتش، بیشتر در اسطوره (پرومتئوس)^۷ (پرومته)^۸ بازتاب دارد. البته الهه آتش در این تمدن، هستیا^۹ نام دارد و موجب رونق خانه و گرمی‌بخش نهاد خانواده است. آتش جاودان، در پرستشگاه هستیا نگهداری می‌شد. ارتباط آتش با مفهوم دانش، در اسطوره پرومته مشهود است؛ «اما نمادین‌ترین آتش‌ها، آتش پرومته است که آن را از خدایان ربود

و برای انسان به زمین آورد، زئوس ماجرا را دریافت، پرومته را به صخره‌ای در کوه قفقاز به میخ کشید و او را محکوم به عذاب ابدی کرد و کرکسی، جگر وی را با منقار همواره پاره کرده و او دوباره زنده می‌شد؛ پس از رنج‌های بسیار، پرومته به دست هراکلس آزاد شد و زئوس او را عفو کرد. آتشی که او به انسان داد، عبارت از خرد و دانایی است. آتشی‌ها، پرومته را سودرسان و پشتیبان بشر و پدر همه هنرها و علوم می‌شمردند. محرابی برای او در باغ‌های آکادمی (محل علم‌اندوزی در یونان باستان) برپا داشتند» (یاحقی، ۱۳۸۶: ۲۴۴).

در هند، آگنی^{۱۰}، خدای آتش است؛ پسر آسمان و گاهی پسر برهما. آگنی، به درخشش و فروغ هوشمندی نیز شناخته می‌شود. در باور هندوان، آگنی، زاینده، سازنده، پاک‌کننده و نابودکننده است. در اوستا، آتش به‌صورت آتر^{۱۱} آمده است. ریشه این واژه، در "سنسکریت" نیز موجود است. در "ریگ ودا" و در "اوستا"، نام پیشوای دینی هر دسته از آریاییان، "آترون"^{۱۲} است -نامی که به پیشوایان دین زردتشتی کهن داده می‌شد- ایرانیان و هندویان در دوره‌های باستان، همواره در پرستشگاه‌های خود، آتش را گرمی می‌داشته و به نیایش آن می‌پرداختند. آذر یا آتر، یکی از ایزدان مزدیسنا است که از جهت نشان دادن بزرگی مقام او، بیشتر پسر اهورامزدا نامیده شده؛ در بندهای ۵۰-۴۶ از زامیاد یشت، ایزد "آتر"، رقیب اژی‌دهاک شمرده شده است (واحد دوست، ۱۳۸۴: ۱۷۹). یکی از دلایل احترام و تقدس آتش این بود که آن را مانند آب، موجد و مولد زندگی می‌دانستند و معتقد بودند که وجود همه چیز به‌نوعی به آن بازسته است. خلاصه و جوهر آتش در اوستا، موسوم به "فَر" است و آن فروغ شکوهی و دانشی بوده که از طرف اهورامزدا به پیغمبر یا پهلوان بخشیده شده است (یاحقی، ۱۳۸۶: ۱۷).

کهن‌الگوی خورشید و مشعل در ارتباط با دانش

خورشید نیز یکی از نمادهای هستی‌بخش است که گرما و روشنی خود را به تمام موجودات می‌بخشد. باروری، یکی از کارکردهای مهم خورشید تلقی می‌شود؛ زیرا گرما و نور خورشید آشکارا نیروی زندگی به شمار می‌آمد (گورین و همکاران، ۱۳۷۰: ۵۰۱). آنچه از حفاری‌های کتیبه و متون دینی باستانی به‌دست آمده، نشان‌دهنده این است که ایرانیان، خورشید را به‌عنوان بزرگ‌ترین رب‌النوع ستایش می‌کردند و خورشید برای آنان، مظهر قدرت و زندگی بود (شایگان‌فر، ۱۳۸۰: ۱۵۵).

در تمدن یونانی نیز روشنایی با شکل مشعل، به مفهوم دانش پیوند خورده است؛ چنانکه مشعلی در جلوی گردونه

طبق اعتقاد بودائیان، بودا در زیر درختی پس از ریاضت بسیار، به حقیقت دست یافت. گیاه تباری و اعتقاد به تولد گیاهی در اساطیر کهن را می‌توان نشان‌دهنده رابطه نمادین میان انسان و درخت دانست. درختان و گیاهان به منزله نمونه‌های عینی پایان‌ناپذیری زندگی، ارزش و اعتباری روحانی دارند. در اسلام نیز درخت طوبی و سدره‌المنتهی، هر یک درختی بهشتی هستند که شاخه‌های آنها در هفت آسمان گسترده شده و نمایش‌دهنده معرفت متعالی بوده و در پیوند با درخت زندگی قرار دارند. سهروردی در تفسیر آیه ۳۴ سوره نور آورده است: «... و هنگامی که فکر به امور روحانی مشغول شود و روی به معارف حقیقی آرد، او شجره مبارک است؛ زیرا همچنان که درخت، شاخه‌ها و میوه است، فکر را نیز شاخه‌ها است و آن، انواع افکار است که بدان میوه نور یقین می‌رسد...» (سجادی، ۱۳۶۳: ۶۶).

نشانه‌های دانش‌بنیاد و کهن‌الگوهای مرتبط

نشانه، نمود تصویری از یک موضوع است. علم نشانه‌شناسی حدود صد سال پیش توسط زبان‌شناس سوئیسی؛ فردینان دوسوسور^{۱۳} در اروپا و چارلز ساندرس پیرس^{۱۴} دانشمند و فیلسوف آمریکایی، مطرح شد. سوسور، نشانه‌شناسی را علم کلی برای نشانه‌ها در نظر گرفته است که نشانه‌های تصویری، بخشی از آن را شامل می‌شوند؛ در واقع، علم نشانه‌شناسی به حدی گسترده است که از نحوه سلام کردن و حرکت دست برای ابراز آشنایی تا بسیاری نشانه‌های مجازی، قراردادی و غیره را در بر می‌گیرد. نظام دال و مدلولی که سوسور بر پایه آن، دلالت‌ها و مصادیق را تعریف نمود، نظامی قدرتمند برای شناخت و دسته‌بندی نشانه‌های مختلف موجود در جهان را فراهم نموده است. در این میان، نشانه‌های تصویری در قالب نشانه (لوگو) نیز تعریف‌پذیر هستند.

نشانه، برای معرفی مکان، مؤسسه و موقعیتی به کار می‌رود. معرفی، شامل یک سری کارکردهای ارتباطی است؛ کارکرد ارجاعی، کارکرد فرازبانی، کارکرد بیانگری، کارکرد تأثیرگذار و کارکرد هنری که هر کدام از این کارکردها، نمایی از قابلیت‌های آرم را در بر می‌گیرند. به فراخور مؤسسه مورد نظر، کارکردها دارای اولویت‌های مختلف هستند؛ به عنوان مثال، کارکرد هنری در طراحی نشانه‌های مؤسسه‌های وابسته هنر، از ارزش بیشتری نسبت به سایر کارکردها برخوردار است. در طراحی نشانه‌های فرهنگی، کارکرد بیانگری و فرازبانی غلبه دارد. یک نشانه تصویر، تجلی اهداف فرستنده بوده و به رمزگانی برمی‌گردد که پیام با آن بیان شده است (پهلوان، ۱۳۹۰: ۵۴). در اینجا، کارکرد کهن‌الگویی نهفته در نشانه‌های

هلیوس قرار می‌گرفت. پرومته که آتش را از آسمان ربود، هنگامی که عمل آفرینش را انجام می‌دهد، مشعلی با نماد زندگی و دانش در دست دارد. نماد حقیقت گاهی مشعلی را بالای سر داشته و بینایی، یکی از پنج حس، نیز مشعلی دارد. در هند نیز "آگنی" الهه آتش هند، مشعلی حمل می‌کرد (هال، ۱۳۸۰: ۱۸۴).

کهن‌الگوی گیاه و درخت در ارتباط با دانش

گیاهان در نگرش اسطوره‌ای، مقام مقدسی داشته‌اند. نیرویی که در برخی گیاهان وجود دارد، اسطوره بالندگی و رشد را هدایت می‌کند. نقش گیاهان در بُعد خدایی و الهی وجود قهرمانان و الهگان و غیره، نشانگر اهمیت ویژه این عنصر طبیعی در شکل‌گیری و رشد اساطیر است؛ همان‌طور که کمبل می‌گوید: «مردم با آفریدن محوطه‌های مقدس، با اسطوره کردن حیوانات و گیاهان و با اعطا کردن قدرت‌های معنوی به زمین، بر محیط تأثیر می‌گذارند. این محیط، به چیزی شبیه به یک معبد و مکانی برای مراقبه تبدیل می‌شود، مکانی برای کسب معرفت» (۱۳۷۷: ۱۴۷).

یکی از کهن‌الگوهای مشترک تمدن‌ها در حوزه دانش، درخت بوده که نماد نوزایی، تداوم حیات و در بر گیرنده مفاهیم متعالی است. درخت در اساطیر گوناگون، نماد حیات، معرفت و جاودانگی است؛ معرفت را دانش تعبیر می‌کنند. درخت ممنوعه (منهی، معرفت)، درختی است (مطابق روایات متعدد) که به‌رغم منع پروردگار، آدم و حوا از آن خورده و از بهشت اخراج شدند؛ در فرهنگ مسیحی به شکل تمثیلی، به آن درخت علم و معرفت گفته می‌شود (یاحقی، ۱۳۸۶: ۵۴۵). وجود درخت معرفت در آیین یهود، مساوی با همان درخت میوه ممنوع بوده، یکی از جلوه‌های درخت در داستان‌ها است. در اوستا و کتاب‌های مذهبی این آیین، گیاه در آغاز آفرینش، یکی از شش پدیده‌ای بوده که توسط اهورامزدا ساخته می‌شود و این موجود، چهارمین آفریده است (بهار، ۱۳۷۶: ۷۶).

درخت در اسطوره‌های کهن، رمز آفرینش کیهان است. درختی ستبر و غول‌پیکر که شاخه‌های آن در آسمان جای گرفته و ریشه‌های آن، در زمین گسترده شده‌اند. شاخه‌های این درخت در سراسر جهان گسترش یافته و حتی ماه و خورشید، میوه‌های این درخت به شمار می‌آیند؛ «غالباً ایزدی که رمز طبیعت باروری است، با درخت کیهان، همدست و همراه است» (دوبوکور، ۱۳۷۶: ۲۱). دوبوکور معتقد است: «استمرار رشد نباتات، نشان تجدید ادواری و پاینده عالم و یادآور اسطوره بازگشت جاودانه است» (همان: ۹).

درون "سپر" قرار گرفته‌اند؛ سپر از دوره قرون وسطی، به‌عنوان نماد خانوادگی و نمادهای سلطنتی مورد استفاده بود. روی درفش‌ها نیز علائم را با قرار دادن درون یک "سپر" ترسیم می‌کردند. اما نمادهای دانش که جنبه کهن‌الگویی داشته و در تمام فرهنگ‌ها یافت شده، در چند مورد معرفی شده خلاصه شده‌اند: درخت، آتش (مشعل)، خورشید و پاره‌ای موارد، آب. در این میان، از بین ۲۰۰ نشانه بررسی شده در حوزه نشانه‌های دانشگاهی، تقریباً ۶۰ مورد، از سه کهن‌الگوی درخت، مشعل و خورشید بهره گرفته‌اند (جدول ۱).

فرهنگی نمایان می‌شود؛ نمودی فرارمزگانی که نیاز به کشف و واکاوی در ناخودآگاه جمعی انسان‌ها دارد. بدین جهت، مصادیق مورد نظر گردآوری شدند تا از ورای آنها، به بازنمایی این کهن‌الگوها دست یافته شود.

نشانه‌های دانش‌بنیاد مورد نظر برای این پژوهش، شامل؛ نشانه‌های دانشگاه‌ها، مؤسسه‌های پژوهش‌محور و نشریات هستند. اکثر نشانه‌ها به‌صورت مستقیم و با نمایش کتاب به شکل ساده‌شده و انتزاعی، طراحی شده، برخی نیز بر اساس نمادهای ملی، طراحی شده، اکثر نشانه‌های دانشگاه‌های غربی،

جدول ۱. طراحی نشانه‌های دانشگاه‌های مختلف با کهن‌الگوهای دانش

تصویر	دانشگاه	مشخصات
	Florida State University	مشعل به‌عنوان کهن‌الگوی کسب دانش، به‌صورت ساده بین دو حرف اختصاری.
	New York University	مشعل ساده و انتزاع‌شده همراه با حروف اختصاری نام دانشگاه.
	Seoul National University	مشعل و پَر در حالت ضربدری، به همراه کتاب و تاج زیتون
	Turība University	مشعل به‌صورتی نمادین با بال ترکیب شده است.
	Universitas Negeri Jakarta	مشعل و کتاب در ترکیبی هماهنگ که با ریتمی یک‌دست تکرار شده‌اند.
	Stockholm University	مشعل، شاخه زیتون همراه سه تاج
	Southern California University	مشعل به همراه سپر و خورشید در بالای آرم

ادامه جدول ۱. طراحی نشانه‌های دانشگاه‌های مختلف با کهن‌الگوهای دانش

تصویر	دانشگاه	مشخصات
	Universitas Indonesia	درخت معرفت، نمایانگر درختی است که بودا زیر آن به تفکر نشست و مسیر زندگی او تغییر نمود.
	Stanford University	درخت کاج محصور در یک دایره
	University of Toronto	چند عنصر نمادین؛ درخت در بالای آرم، سپر که در آن کتاب و سمور نقش شده است.
	Kyoto University	درختی با تنه پهن و برگ‌های فراوان محصور در یک دایره
	McMaster University	چند عنصر نمادین؛ درخت در بالای آرم، گوزن در حال دویدن، برگ‌های تزئینی، کتاب و نقش عقاب بال گشوده
	Brown University	خورشید، نماد درخشش فکر به همراه سپری تقسیم‌شده به چهار بخش با چهار کتاب.
	University of British Columbia	سپری که با نقش خورشید در انتها و کتاب باز در بالا آزين شده است.
	Rutgers University	نقش مرکزی خورشیدی درخشان با نوری خیره‌کننده.

(نگارندگان)

در حوزه نشانه‌های انتشارات نیز طراحان در برخورد مستقیم، از ساده‌سازی شکل کتاب و قلم بهره برده‌اند و در بهره‌گیری از کهن‌الگوها، می‌توان کهن‌الگوی درخت را مشاهده نمود (جدول ۲).

در طراحی نشانه برای مؤسسه‌ها و انستیتوهای علمی نیز شاهد موارد جالبی از استفاده کهن‌الگوهای نام‌برده هستیم؛ در این حالت، بیشتر از نقش درخت و شعله بهره گرفته شده است (جدول ۳).

حوزه دیگر، طراحی نشانه‌های مرتبط با دانش در ایران است؛ این نشانه‌ها نیز چون هم‌گروه‌های بین‌المللی خود، از کهن‌الگوهایی بهره گرفته که دلالت بر اشتراک ضمیر ناخودآگاه انسان دارند. این نشانه‌ها نیز از بین ۳۰ نشانه دانشگاهی، مؤسسه پژوهشی و انتشاراتی، گردآوری شده‌اند (جدول ۴ و ۵).

برخی از نشانه‌ها، کهن‌الگوی باد را نیز در بر دارند؛ باد از عناصر اربعه بوده و در نمای کهن‌الگویی خویش، با اشاعه علم

و باروری زمین در ارتباط است. نشانه دانش‌نامه لاروس^{۱۵}، نمونه‌ای چشمگیر از این نقش تمثیلی و کهن‌الگویی است. نشانه لاروس با به‌کارگیری نقش‌مایه گیاهی (فرهنگی که به درخت معرفت با شاخه‌های متعدد مقایسه شده است)، یک نقش‌مایه انسانی (زن بذرافشان)، یک دایره (عالم‌گیر بودن) و در کنار آن شعار (من در همه جا بذر می‌افشانم)، نشانی موفق است و ذهنیت پیرلاروس^{۱۶} را نیز در بر می‌گیرد. وی در مقدمه دانش‌نامه خود عنوان می‌دارد؛ «قصد ما این بود که همه بتوانند در ضیافت عظیمی که در فرهنگ بزرگ جهانی برپا شده است، سهیم باشند...» (پهلوان، ۱۳۹۰: ۱۰۹). این نشانه، نماد بذرافشانی، کاشتن و اشاعه پخش کردن علم بوده که به‌خوبی از کهن‌الگوهای ملهم از عناصر اربعه بهره برده است (تصویر ۱).

انتشارات سایمون و شوستر^{۱۷}، یکی از بخش‌های شرکت سی‌بی‌اس واقع در شهر نیویورک است. این انتشارات، توسط ریچارد لئو دیک سیمون^{۱۸} و مکس لینکلن شوستر^{۱۹}، در سال

جدول ۲. طراحی نشانه انتشارات با کهن‌الگوی درخت

تصویر	انتشارات	مشخصات
	Affiliate Publishers	درختی با شاخه‌های متعدد و کاملاً متقارن.
	Against The Grain Linking librarians	درختی از درخت‌های بومی منطقه جغرافیایی انگلیس.
	Green Books Campaign	تنه درخت خشکی که از آن جوانه‌ای روییده است.
	Turner Publishers	درخت در نمایی ساده و هماهنگ.
	sterling Publishing	درخت ساده‌شده و انتزاعی.
	Hybrid Publishers	درخت در تلفیق با نقش کتاب.

(نگارندگان)



تصویر ۱. نشانه دانش‌نامه لاروس در گذر زمان (پهلوان، ۱۳۹۰: ۱۱۰)

جدول ۳. طراحی نشانه مؤسسه‌های علمی و انستیتوهای مختلف با کهن‌الگوی روشنایی و مشعل

مشخصات	مؤسسه علمی	تصویر
مشعلی که در دستانی محافظت می‌شود، محاط در فضای دایره.	California Institute of Technology	
مشعل به شکلی ساده و انتزاعی طراحی شده است، محاط در فضای دایره.	Monterrey Institute of Technology and Higher Education	
شعله که توسط یک دست افروخته شده و در پس‌زمینه چرخ دنده، نمایانگر مؤسسه فنی.	Galway-Mayo Institute of Technology	
سه عنصر مشعل (آتش)، درخت و کتاب در یک سپر تعبیه شده‌اند.	Illinois Institute of Technology مؤسسه فن‌آوری ایلینوی	
درخت پربرگی که بسیار ساده و هماهنگ ترسیم شده است.	KTH Royal Institute of Technology	
درختی که از دو سو در حال گسترش است؛ از آسمان با شاخه‌های بلند و از زمین با ریشه‌های سترگ.	Plymouth Meeting Friends School	
درخت ساده با برگ‌های پهن که ریشه در کتاب دارد.	Sponsored Research and Industrial Consultancy Indian Institute of Technology , Kharagpur	

(نگارندگان)

نوزدهم میلادی است - را به مالکیت خود درآورد. سه سال بعد، خبرگزاری ویلیام کالینز^{۲۲} را نیز که انتشارات معروف بریتانیایی و تأسیس شده به سال 1820 بود، با نیت ادغام تصاحب نمود. در سال 1990، از شرکت طراحی چرمایف و جیسمار اند هویو^{۲۳} خواسته شد تا طرح هویتی برای شرکت تازه تلفیق شده هارپر کالینز پابلیشر^{۲۴} تهیه کند. نماد هارپر اندراو، تصویرگر داستانی است که از میان شعله‌های آتش گذشته‌اند؛ شرح کنایه‌ای و کلاسیک از مفهوم انتشار دانش.

۱۹۲۴ بنیان‌گذاری شد. انتشارات سایمون و شوستر در کنار انتشاراتی چون؛ انتشارات هارپر کالینز، گروه پنگوئن و راندوم هاوس، از بزرگ‌ترین انتشارات زبان انگلیسی هستند. نشانه آن، به‌خوبی نمایشی است از کهن‌الگوی باد که با گسترش بذرها و حاصل‌خیزی زمین، به باروری علم و معرفت اشاره دارد (تصویر ۲).

در سال 1987، خبرگزاری روپرت موردوچ^{۲۵}، شرکت هارپر اندراو^{۲۶} -دفتر انتشاراتی در نیویورک با سابقه‌ای متعلق به قرن

جدول ۴. طراحی نشانه‌های دانشگاه‌های ایران با کهن‌الگوی مربوط به دانش

تصویر	دانشگاه	مشخصات
	دانشگاه سمنان (URL: 1)	برگی که در یک کتاب تعبیه شده و به شکل قرینه طراحی شده است.
	دانشگاه زنجان (URL: 2)	درخت در نمای انتزاعی که توسط کتابی در بر گرفته شده است.
	دانشگاه ارومیه (URL: 3)	گل شاه عباسی ساده‌شده که روی یک کتاب باز قرار گرفته است.
	دانشگاه علم و صنعت (URL: 4)	مشعل در میان شکل سکان‌مانند.
	دانشگاه پیام نور (URL: 5)	درخشش نور که از نقطه مرکزی منتشر می‌شود.

(نگارندگان)

جدول ۵. طراحی نشانه‌های انتشارات ایرانی که در آنها کهن‌الگوهای مرتبط با دانش به کار رفته‌اند

تصویر	انتشارات	مشخصات
	انتشارات ثقفی (صیفوری و مشکی، ۱۳۸۸: ۶۶)	درخشش فوریانی که از میان کتابی باز، نمایان می‌شود.
	انتشارات جوانه (همان: ۵۱)	تلفیق کتاب و سرو که در نمایی متفاوت ادغام شده‌اند.
	انتشارات شمس (همان: ۳۶)	درخشش فوریانی که از میان کتابی باز، نمایان می‌شود.

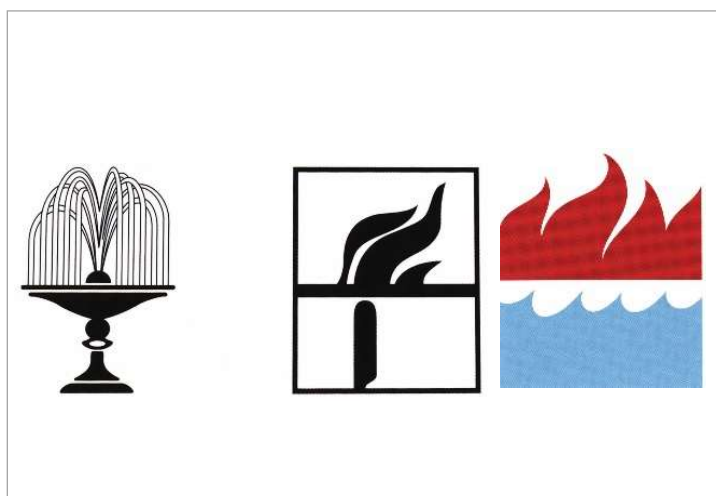
(نگارندگان)

در نشانه ساده و متفاوت دانشگاه وندربیل^{۲۶}، می توان نگرش کهن الگویی استفاده از جزئی از درخت را مشاهده نمود. این نشانه را استودیوی ملکم گریر دیزاینرز^{۲۷} واقع در رود ایسلند^{۲۸} طراحی نموده است؛ برگ درخت بلوط (به نشانه اقتدار و ثبات قدم) به همراه میوه بلوط (به نشانه بذر دانش). این مؤلفه ها، نمادی از شعار مدرسه به عنوان یک باغ پویا و ثمربخش هستند (تصویر ۴) (همان: ۳۶).

در نهایت، نشانه الزویر^{۲۹} که نام خویش را از یک چاپخانه قدیمی هلندی به نام "خانه الزویر"^{۳۰} گرفته و نشان دهنده درخت معرفت است که انسانی پای آن، دست دراز نموده تا دانش را کسب نماید (تصویر ۵)، نشان از ورود کهن الگوهای مرتبط با دانش به عالم مجازی، جهانی که آینده بدان تعلق دارد - همان طور که سایت الزویر، یکی از معروف ترین سایت های علمی جهان است - و به ساختن جهان پیش رو یاری می رساند. با این اوصاف، کهن الگوها همچنان با انسان همراه هستند؛ آنها که ریشه در ناخودآگاه آدمی داشته و از حیات اولیه آدمی سرچشمه گرفته و به شکلی، معرف عمق دیرینگی حیات انسان بر زمین بوده، انسان را در آینده پیش رو نیز همراهی می کنند.

طرحی که از زمان اجرای اولیه خود در سال ۱۸۴۵، بارها به روزرسانی و بازطراحی شده بود. اما ویلیام کالینز، با یک آب نما نمادپردازی شده بود که شرح کلاسیک یونانی دیگری از ایده دانایی در قالب یک فواره یا چشمه بود. این طرح به همراه یک ستون اتکایی، یک بشقاب پهن و چندین رشته آیفشان با مسیر نیمه دایره ای بود که طرحی پیچیده به شمار می رفت و نیاز داشت ساده تر شود.

شرکت سی جی ایچ^{۲۵} می گوید؛ «بخش مهم و مرتبط به ما، وفاداری تا حد امکان به طرح های اصلی هر دو شرکت هارپر و کالینز بود، زیرا هر کدام با سابقه ای صد ساله، شهرت چشمگیری کسب کرده بودند» (ایری، ۱۳۹۶: ۸۱). نمادهای موجود دو مجموعه، پیچیده و جزئی تر از آنی بودند که سی جی ایچ بتواند به سادگی آنها را تلفیق کند. در عوض، آنها به سمت یکی از اساسی ترین مؤلفه های مدرنیسم گام برداشتند؛ ساده سازی نه تنها در فرم، بلکه در محتوا. «ما المان مورد نیاز نماد شعله و آیفشان را استخراج کردیم؛ آیفشان به آب و شعله به آتش تبدیل شد» (همان). این دو، هر یک کهن الگوهایی از عناصر اربعه بوده که جان بخش معرفت (دانش) هستند (تصویر ۳).



تصویر ۳. نشانه انتشارات هارپر کالینز، کهن الگوهای آتش و آب از عناصر اربعه (ایری، ۱۳۹۶: ۸۱)



تصویر ۲. نشانه انتشارات سایمون و شوستر، بدزپاشی بر زمین، تمثیل کهن الگویی باروری دانش (URL: 6)



تصویر ۵. سایت علمی الزویر با نشانه درخت به‌عنوان کهن‌الگوی کسب معرفت و دانش (URL: 7)



تصویر ۴. نشانه دانشگاه وندربیلست شهر نشویل در ایالت تنسی، کهن‌الگوی درخت (ایری، ۱۳۹۶: ۳۶)

نتیجه‌گیری

نشانه‌ها، تنها فرم‌های انتزاعی و ساده‌شده نبوده که برای یک عملکرد محدود طراحی شده باشند، آنها دنیایی از ایده‌ها، تفکرات و فراتر از آن، شماهای فرهنگی و کهن‌الگویی هستند. نشانه‌های فرهنگی عموماً ارتباط نزدیکی با نمادها و کهن‌الگوها دارند؛ بنا به نظریه یونگ، نمونه‌های ازلی، در ضمیر ناخودآگاه جمعی بشر وجود داشته و همه آنها، حاصل تجارب گذشته نوع بشر هستند. از آنجا که این کهن‌الگوها ریشه‌های شاید چندین هزار ساله داشته، در میان اقوام و کشورهای مختلف، مشترک و یکسان هستند. در میان تمدن‌های باستان، خدایان و اساطیری، نماینده دانش محسوب می‌شدند؛ برخی از آنان، دانش را به انسان اعطا نموده همچون پرومته، همچنین، عناصر و یا مخلوقاتی با توجه به ظرفیت وجودی خود نیز می‌توانستند نمایانگر دانش باشند؛ به‌عنوان مثال، چهار عنصر آب، آتش، خاک و باد، اساس و بنیاد هستی به شمار می‌آیند. آنچه در جهان هستی وجود دارد، همه در پیوند با این عناصر هستند. این کهن‌الگوها به انسان امروزی که انسان عصر دانش است، ارث رسیده‌اند. غلبه نگرش علمی جهان معاصر، باعث نمی‌شود که ناخودآگاه آدمی جوششی نداشته باشد. در نشانه‌های فرهنگی، می‌توان این کهن‌الگوها را بازشناخت؛ در عرصه نشانه‌های فرهنگی چون؛ نشانه‌های دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی و انتشارات، ارتباط بی‌بدیل از هم‌بستگی کهن‌الگویی و ذهن انسان معاصر را می‌توان دید، به‌کار بردن نمادهایی چون آتش و آب برگرفته از عناصر اربعه و در ارتباط با اساطیر کهن در کنار نمادهایی چون درخت که ارتباط مستقیم با کهن‌الگوی درخت معرفت و درخت زندگی دارد و نمادی از باروری و حیات جاودانه است. در اکثر نشانه‌های دانشگاه‌های خارجی و داخلی، شاهد حضور کهن‌الگوی درخت و مشعل نشانگر معرفت و کسب دانش بوده‌ایم که نشان از ضمیر ناخودآگاه جمعی همه انسان‌ها دارد. در نشانه سازمان‌ها و نهادهای علمی نیز درخت، شعله و شمع به‌کار رفته است. در نشانه‌های مربوط به انتشارات نیز کاربرد درخت و ترکیب هیئت کتاب و خورشید، بیشترین استفاده را دارد.

نشانه‌های فرهنگی جدا از امر نمادین و کارکردهای برقراری ارتباط و کارکردهای زیباشناسی، نمادهای بی‌بدیل از داشته‌های غنی انسان‌ها هستند. تجربیاتی که طراحان به‌سادگی آنها را در فرم‌های انتزاعی پیاده می‌سازند، نمایانگر کهن‌الگوهای بشری بوده و شایسته توجهی درخور و مطالعه‌ای عمیق هستند.



1. James George Frazer
2. Joseph John Campbell
3. Mircea Eliade
4. James Joyce
5. Jean C Cooper

۶. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به (براهنی و همکاران، ۱۳۶۸: ۱۲ و ۳۱؛ شعاری‌نژاد، ۱۳۶۴: ۸۲).

7. Prometheus
8. Promete
9. Hastia
10. Agni
11. Atar
12. Athravan
13. Ferdinand de Saussre
14. Charles Sanders Peirce
15. Grand Larousse encyclopédique
16. Pierre Larousse
17. Simon & Schuster
18. Richard L. Simon
19. M. Lincoln ("Max") Schuster
20. Rupert Murdoch
21. Harper & Row
22. William Collins
23. Chermayeff & Geismar & Haviv
24. HarperCollins Publishers
25. CGH
26. Vanderbilt
27. Malcom Gear Designers
28. Rhode Island
29. Elsevier

۳۰. خاندان الزویر مدت‌ها در کشور هلند، به امر فروش کتاب و چاپ کتاب مشغول بوده‌اند. بنیان‌گذار این خاندان، لودیک الزویر در شهر لیدن زندگی می‌کرد و این تجارت را در سال ۱۵۸۰ شروع کرد. سازمان امروزه در سال ۱۸۸۰ تأسیس شد. تولیدات اولیه آن شامل؛ ژورنال لانست، سل و کتاب‌هایی شامل آناتومی‌گری و ساینس دیرکت که مجموع ژورنال‌های الکترونیکی بود، است. سایت علمی الزویر، بیشترین مراجعه‌کنندگان تهیه مقالات علمی را دارا است.

منابع و مآخذ

- آرگایل، مایکل (۱۳۸۴). یونگ و نمادپردازی دینی. ترجمه احمدرضا محمدپور. نشریه فلسفه و کلام/ نقد و نظر، (۳۷ و ۳۸)، ۳۲۸-۳۳۷.
- ایری، دیوید (۱۳۹۶). لذت طراحی نشانه. ترجمه سارا شادرخ و هادی رحمتی، چاپ اول، سمنان: دانشگاه سمنان.
- باقری‌پور، اشرف (۱۳۸۹). یونگ و روان‌شناسی دین. پژوهش فلسفی، (۱۸)، ۱۷۹-۱۵۵.
- براهنی، محمدنقی و همکاران (۱۳۶۸). واژه‌نامه روان‌شناسی و زمینه‌های وابسته. چاپ اول، تهران: فرهنگ معاصر.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۶). پژوهشی در اساطیر ایران (پاره نخست و پاره دوم). چاپ سوم، جلد دوم، تهران: آگه.
- پهلوان، فهیمه (۱۳۹۰). ارتباط تصویری از چشم‌انداز نشانه‌شناسی. چاپ چهارم، تهران: دانشگاه هنر.
- دوبوکور، مونیک (۱۳۷۶). رمزهای زنده جان. ترجمه جلال ستاری، چاپ اول، جلد دوم، تهران: مرکز.

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۱). لغت‌نامه دهخدا. چاپ اول، تهران: سروش.
- سجادی، جعفر (۱۳۶۳). شهاب‌الدین سهروردی و سیری در فلسفه اشراق. چاپ اول، تهران: فلسفه.
- شایگان‌فر، حمیدرضا (۱۳۸۰). نقد ادبی. چاپ دوم، تهران: دستان.
- شعاری‌نژاد، علی اکبر (۱۳۶۴). فرهنگ علوم رفتاری، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.
- صیفوری، بیژن و مشکی، ساعد (۱۳۸۸). نشانه. چاپ اول، تهران: یساولی.
- فریزر، جرج جیمز (۱۳۹۵). شاخه زرین. ترجمه کاظم فیروزمند، چاپ نهم، تهران: آگاه.
- کمبل، جوزف (۱۳۷۷). قدرت اسطوره. ترجمه عباس مخبر، چاپ پنجم، تهران: مرکز.
- کوپر، جین سی (۱۳۸۰). فرهنگ مصور نمادهای سنتی. ترجمه ملیحه کرباسیان، چاپ اول، تهران: فرشاد.
- گلابچی، محمود و زینالی فرید، آیدا (۱۳۹۳). معماری آرکی تایپی کهن‌الگویی. چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- گورین، وینفرد و همکاران (۱۳۷۰). راهنمای رویکردهای نقد ادبی. ترجمه زهرا مهین‌خواه، چاپ دوم، تهران: اطلاعات.
- میثمی، رضا (۱۳۸۱). اسطوره‌شناسی و سمبولیسم. کتاب ماه هنر، (۴۹ و ۵۰)، ۱۲۴-۱۲۱.
- واحد دوست، مهوش (۱۳۸۴). نمادینگی آتش و بازتاب آن در متون اساطیری و حماسی ایران. فصلنامه علوم/اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، (۴۲)، ۱۸۶-۱۷۵.
- هال، جیمز (۱۳۸۰). فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب. ترجمه رقیه بهزادی، چاپ دوم، تهران: فرهنگ معاصر.
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۶). فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی. چاپ سوم، تهران: فرهنگ معاصر.
- یونگ، کارل گوستاو (۱۳۸۹). مشکلات روانی انسان مدرن. ترجمه محمود به فروزی، چاپ دوم، تهران: دیبا.
- _____ (۱۳۹۶). انسان و سمبل‌هایش. ترجمه محمود سلطانیه، چاپ دوم، تهران: جامی.
- Doniger, W.E & Merriam-Webster, I (1999). **Merriam-Webster's Encyclopedia of World Religions**. Scotland: Published by Merriam Webster.
- Eliade, M. (1976). **History of Religious Ideas (Mircea Eliade bibliography)**. Chicago and London: University of Chicago Press.
- URL 1: www.semnan.ac.ir (access date: 1397/03/21).
- URL 2: www.znu.ac.ir (access date: 1397/03/21).
- URL 3: www.urmia.ac.ir (access date: 1397/03/21).
- URL 4: www.iust.ac.ir (access date: 1397/03/21).
- URL 5: www.pnu.ac.ir (access date: 1397/03/21).
- URL 6: www.simonandschuster.com (access date: 2018/03/28).
- URL 7: www.elsevier.com (access date: 2018/03/28).



A Study with a Mythological and Archeological Attitude toward Designs of Cultural Signs (Relying on Knowledge-Based Signs)

Sara shadrokh* Najibeh Rahmani**

Abstract

Cultural signs are abstract graphic forms: an accumulation of the rich culture of nations, a reflection of the formal and conceptual resources of nations in a small format and a reflection of ancient-model reserves of a nation. Archetypes are the main and enduring model of the mind and the product of human experience during thousands of years. They represent themselves in human manifestations such as visual cues. In this article, cultural signs related to knowledge field including universities, publishing houses, and research institutes (at least ten prominent international and national samples) are examined, by using the mythological and archeological attitude. The purpose of this paper is understanding the archeological insights that different civilizations have had it as the sense of knowledge, and its re-crystallization can be seen in the simplified forms of the present signs. In order to achieve a logical connection and a sound reasoning, more than a hundred international and national knowledge-based signs were observed. Most of the signs have chosen a direct language and are directly related to visual symbols such as books and the front door of universities, most designers have used national symbols in designing the logo of universities and have a direct understanding of its meaning. Some of the symbols which have been analyzed in this article have used implicit and covert demonstrations in archetypes. Most signs which imply the secondary concepts have been used in the same way in different cultures: Archaeologies which are common in different cultures and have mythological origins, and also the forms of trees, sun, fire (candle or torch) and water are the symbols of knowledge in the global archetype. This article analyzes the meaning of knowledge in universal archetype and introduces their reflections in introduced signs of knowledge-based institutes by using a descriptive-analytical method.

Keywords: Archetype, Signs, Knowledge, Tree, Sun

* Instructor, Faculty of Art, Graphic Department, Semnan University, Semnan, Iran. shadrokh@profs.semnan.ac.ir

** PhD Student, Instructor, Graphics Faculty, Semnan University, Semnan, Iran.. n.rahmani.designer@gmail.com